

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۶۴
شنبه ۲۱ مهر ۱۳۵۸ - تیرماه ۱۰ رتال

بی تفاوت شدن جامعه نسبت به یک انقلاب، مرگ آن انقلاب است

خداوندی داخلی از مرحله پیشین
پروپاگاندا و تبلیغات
انقلابی برای توده‌های
چرا که انقلاب بی‌آفتاب است
زیرا آن موجود مودرتن عرصه، که در
پرتو مبارزه برای برانگیزش همه
متمدن‌دوخته، دیگر نتواند به شد انقلاب
میتواند خود را در جامعه‌های مختلف
چپ، دمی، «مکراتیک»، «مقدس»،
مستورانه و استفاده از اینک نظام
گرفته، طی پنجاه سال، روحانی خاصی
ایجاد کرده، بازم آفرین و آفرینش
موضع «پروپاگاندا» علیه قدرت انقلابی،
که قطع نگرفته و سخن و عملش تجلی
عینی و واقفیت یافته، مبارزه کند و از
بقیه در صفحه ۴

انقلاب بزرگ مردم ایران، رهبری امام خمینی، در مرحله اول آن،
یعنی مرحله براندازی رژیم استبدادی و دست نشانده و غارتگر پهلوی،
پروا و موج برنموند شور و هیجان بی‌همتایی سابقه انقلابی مردم، به پیروزی
رسید. این حادثه شگرف ایران، منطقه و جهان را تکان داد.

امپریالیسم و فقرهای ارتجاعی و
محافظه کار جامعه مادرمحله اول کوشش
بسیاری بکار بردند تا مانع بسط انقلاب و
پیروزی آن شوند. ولی بهرکت اتحاد و
هشامی مردم و درگیری شادمانی قاطع و
درست امام خمینی علم سلطنت استبدادی،
تمام جاسوس عظمی ما ماند.
انقلاب وارد مرحله دوم خود شد،
مرحله انتقال، یعنی مرحله‌ای که هنوز
بسط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی،

عمال امپریالیسم
از هر باره در
تلاشند که مردم
را نسبت به انقلاب
بی تفاوت و نسبت
به رهبران انقلاب
بدبین کنند. نباید
به ضد انقلاب
بهانه داد

اختناق - سبب پیدایش، نتیجه و عواقب آن

اختناق، به عنوان وسیله تحمیل اراده طبقه حاکمه بر خلق، ولتی
پدید می‌آید که منافع آن طبقه حاکمه با منافع خلق در تضاد قرار گیرد.
طبقه حاکمه دوران «آریامهری»، سرزمین داری بزرگ و زمینداری بزرگ
و البته نمیتوانست بدون اختناق حکومت کند، زیرا منافع آن در
قلب مقابل منافع خلق زمینداری و مخرجان شهر و روستا و روشنفکران
خدمتگذار مردم بود. طبقه حاکمه ضد خلقی از آزادی بیان، عقیده قلب،
احزاب... یعنی آزادیها و دیگران بطور کلی، چون جن از بیم الله
میترسد، زیرا این آزادیها و دیگران است بیچند مردم علیه جن.
از اینرو اختناق برای طبقه حاکمه ضد خلقی هم وسیله اعمال قدرت و
هم وسیله بقا است. هم وسیله تأمین منافع خود از طریق دستبرد به
منافع خلق است. و هم وسیله ای برای حفظ موجودیت خویش در برابر
واکنش خلق.

ولی در آخرین نتیجه، اختناق قادر
به حفظ موجودیت رژیم ضد خلقی،
حکومت طبقه حاکمه ضد خلقی نیست.
اختناق قطب برای مدت مدید، بیشتر یک
دفعه خشم مردم را میفرود و در نتیجه
بر قدرت و واکنش آن سجدان میفزاید
و در شرایط گوناگون، این فرایند
شد، تا گاهان میچند مانع از گویا
میراند. پس اختناق در نهایت، چاره
در درجهای ضد خلقی نیست. مثلاً، ایران
«آریامهری»، آریامهری، بر تالان اسلامی،
یونان سرخسگان، بر تالان اسلامی،
کاتانوه و غیره، آزادی به بند کشیده
شده، نفس اختناق را میزداند.
اختناق، به عنوان وسیله اعمال قدرت
ممکن است ناگهانی، ماسعوار، بدبایال
یک کونای ضد خلقی نباشد و نیز
ممکن است خنده پیش آید، اندک اندک
چارچوب آزادیها و دیگران را تکت

یکانه راه حل مسئله کردستان: حل مسالمت آمیز و مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد

این راه، راه تأمین عدالت، تحکیم
برادری و تقویت دوستی میان خلقهای
ایران و بالابردن کیفیت تجمیع ارضی
و استقلال ملی و وحدت کشور ایران
به سطح یکلی جدید و عالی است.
ما از تکرار پیشنهاد حزب توده
ایران، که یگانگه در داخل و بیرون است،
خسته نمیشویم و عمیقاً امیدواریم که
مهرمان جمهوری اسلامی ایران به این
پیشنهاد عمیقاً انقلابی، انسانی و مهربان-
پرستانه توجه کنند.

ما با انقلاب ما کشته است.
ما برای باز هارم خطاب به
زمانداران جمهوری اسلامی ایران
تکرار میکنیم: شما طبق اصول انسانیت
و موازین جمهوری اسلامی، متحمل را از
کردن خلق کرد برادر، اصل خود
مختاری یا خودگردانی را رسا اعلان
و علناً اجرا کنید، که این برای نجات
کردستان از توطئه امپریالیسم و دهنویسم
و ارتجاع، چنان اثری بر یک بیارخواه
آورد که نیرومندترین ارتشها و قویشین
سلاحهای جهان از ایجاد چنین آثری
عاجز مطلقند.

در پیوند با حوادث اخیر کردستان، روزنامه‌ها اخباری درباره
اقدامات دولت منتشر کردند. این اخبار، بطوریکه از مجموع آنها
برمیآید، حاکی از آن بود که در جنب تدابیر نظامی، تدابیر سیاسی نیز
در مرکز توجه دولت قرار گرفته است. از جمله گفته شده است که آگاهان
امور دولتی، گزینش در راه‌های نهایی سیاسی و نظامی، را موقوف به
بازگشت وزیر دفاع ملی از کردستان میدانند.

ولی آن اخباری که در مورد تدارک
لشکر کشتهای جدید و حسی آوردن
«دوطلب» مشابه، از دیگر استانها برای
سرکوب کردستان، انتشار یافته است،
مایه ناگرتی عمیق ماست. زیرا که این راه،
باجستجوی راه حل سیاسی و عادلانه مسئله
عمیقاً متناقض است و علاوه بر این، احتمالاً
عواقب وخیمتری را بدنبال خواهد آورد، که
از جهت بزرگترین و از جهت کوچکترین
آنها دشمن خون برادر بدست برادر،
ایجاد خصومت میان خلقها و پسران
عقیده‌هاست، که چون ساقان، برای جامعه
داده است.

حزب توده ایران راه حل مسالمت آمیز و مبتنی بر
رفع ستم ملی از خلق کرد را یکانه راه حل مسئله کردستان
میداند و تأکید است که در این راه با تمام نیرو و امکانات
خود به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران صادقانه
یاری کند.

در آغاز سال تحصیلی، آقای رحالی کنفل وزارت
آموزش و پرورش، طی مصاحبه‌ای اعلام داشت که
تلفات سیاسی در کلاس درس مجاز نیست. این بیان با
مخالفات آشکار بسیاری از محافل اجتماعی، سازمانها،
گروهها، پدران و مادران و دانش‌آموزان و ویرور شد.
در مصاحبه‌هایی که خبرنگاران صداسویسم جمهوری
اسلامی ایران با دانش‌آموزان مدارس مختلف تهران
انجام دادند، بسیاری از آنان باین گفته کنفل وزارت
آموزش و پرورش مخالفت کردند و آنرا توهین به خود
دانستند. یک دختر دانش‌آموز گفت: ما به آن درجه از
رشد سیاسی رسیده‌ایم که بتوانیم درباره مسائل سیاسی
اظهار عقیده کنیم و چرا چای این اظهار عقیده کلاس
درس باشد!

در مصاحبه دیگری که خبرنگار را دیو اخیراً با آقای
رحالی انجام داد، وی بار دیگر در تائید گفتههای پیشین خود
تأکید کرد،
«آموزش سیاسی در کلاسهای از قبیل علوم اجتماعی
و انسانی آزاد میباشد، اما تبلیغ سیاسی به معنوی کلاس،
در کلاس درس ممنوع است،
و این فرق دارد،
دانش آموز باید به مکتبهای سیاسی
آشنا باشد، توجیهات سیاسی در مدارس، در کلاس ممنوعه
آزاد است،
گفته آقای کنفل آموزش و پرورش برای ما این
سوال پیش می‌آید که مکتب سیاسی در مکتب چگونه بدانش
آموزان خواهد آموخت؟ آیا تلقی در مکتب خود را از

آموزش سیاسی آری تبلیغ سیاسی نه!!

حزب شهدا

و نافذ است. کلمات کوتاهی با بدایت
پیوند دارند. از زجر و رنج ۳۸
سال مبارزه با ظلمات و استبداد
سخن میگویند. اما با آخرین
ندای جانبازان را در مردم بوند
میباشد و فریاد تیرباران شده،
که سرود زنده باد حزب توده
ایران را میخواندند، بر لب
انسان میشنیدند.
کوتاه سخن، بر گل سرخ
وفاداری نوشته اند،
از طرف همسر آذر نوش مهدویان
به حزب آذر نوش

این مباحث بیان خواهد داشت که در این صورت افراد مختلف
بر حسب عقاید سیاسی و ایدئولوژیک و در یک طیفی خود، تلقی
متفاوتی از مکتب سیاسی خواهند داشت. یکی نظام
سرمایه داری را نظام ستمخواه میدانند، دیگری آنرا سب
جامه بشری میشارد. یکی آنرا نظام انسانی میبیند، دیگری
آنرا بر لب کرد.
یکی جهان بینی ماکسیسم - لنینیسم را، جهان بینی
علی طبقه کارگر و رها کننده زمینداری استبداد را،
دیگری آنرا یک جریان انحرافی و گمراه کننده ابناء
بشر میدانند. بشر آقای کنفل وزارت آموزش و پرورش
کدامیک درست میگوید و بر اساس کدام ضابطه و معیار و
اگر فرض کنیم که آموزش سیاسی دانش‌آموزان، طبقه تالی
شخصی مسلم نیست تا سلبه‌های شخصی در آن خلالت کند،
بلکه طبق متون تهیه شده از سوی وزارت آموزش و پرورش
است، آنوقت باید دید این متون چگونه تهیه شده است و در
زمان تالیف، در برخی از دستگاههای کشور، به دانش‌آموزان
«مارکسیسم» می‌آموختند، اما مارکسیسم که به معنی
شاعت داشت، به معنی مارکسیسم و یا مارکسیسم میخ و
دیگر کورن، زیرا قلم در دست دشمنان مارکسیسم بود. آیا
تضمینی است که اکنون آموزش سیاسی دانش‌آموزان پس
دانش‌آموزان عقیده محکوم و اعدام نمیشود، اما شما بایرم خواندن
کتابهای اظهار عقیده همرا میگویند کردید. اگر کسی بدین
نمیدانند با سلاطین نام شادمان می‌برد، چنان نش در خلق بود، اگر
عکس شاد را در جراید بلدانی از همسران می‌گذاشتند، یا
عکس لوطی‌اشوهر را تار می‌گذاشتند، اداره امنیتش می‌رسید
و نتیجه معلوم بود. چه کار کردید و نتیجه آن شد که دیدید.

سفر شمس الدین امیر علانی، سفر جمهوری اسلامی
ایران در دایره، طی نامه‌ای که برای روزنامه
المطالع فرستاده و در شماره ۱۸ مهر آن روزنامه درج شده، به یک
مهمال فرج. زن شاه مخلوع، که بصورت یک مصاحبه در یک
روزنامه فرانسوی انتشار یافته، پاسخ گفته و به افشای رژیم پهلوی
پهلوی پرداخته و در مقابل، آن سولوزمو از پیروان رژیم پهلوی
ایستاد. این بیان باید از آن پهلوی کذب، پرشده است، بخشی
از آن سخنان و این پاسیدا عیناً «تخل می‌کنیم»
فرج میگوید، «هنگامی که من از کشورهای باژیدمی
کردم که در آنجا انقلابی رخ داده بود، بخود میگویند این واقع
ممکن است برای ایران هم اتفاق بیفتد. در این صورت
میباشد که برای کرد که امر پهلوی بگردد. من به گفته‌های این
ما ندیده‌ام که میگفت همه چیز متعلق به ملت است،
امیر علانی پاسخ میدهد: من از کشورهایی باژیدمی
است، زیرا می‌دانستید شوهرتان و شما به پهلوی زار این مردم
ستبدید آوردید که عواقب آن قابل پیش‌بینی نبود و شما
بهاوش سرزادی که دارید، احتیاط را از دست نمی‌دادید و نش
می‌کشیدید که بطور باید از این مردم، بنویس تبار یافت. الحق
شما طراح قابلی هستید، ثروت مملکت را بلع کردید و با خود
بردید و ایرانی و ایران برای ما باقی نگذاشتید. اگر لنین که

فکر و اندیشه در حکومت انقلابی مامحکوم نیست
است، همه چیز متعلق به ملت است. به آن عمل کرد و با خود چیزی
به کرد نبرد و همچنین را واقاً برای ملت خود خواست و شما
شوهرتان ملحقاً غارت کردید، سرزنشید و کشید و کشید و کشید
کردید و فرار کردید. این را میگویند قیاس مع الفارق. کردار
شما بجا و عمل لنین کرد.
مفسر فرانسوی میگوید که «فرج از پیشرفت سوسیالیسم
در ایران بینگاش است و میگوید قبلاً شاه وجود داشت و
قانون بود جلوا آنرا بگرد. اما محاکمات و جحت است. حکومت
یعنی ملاها که دین را وسیله انتفاع شخصی قرار دادند و نه
برای بهبود وضع مردم»
امیر علانی پاسخ میدهد،
هسر شاه به هم جوانان مارا میکشت و از
سوسیالیست بدرد می‌ترسید و این مطلب را بهانه برای
ارباب خارجی و دستاویزی برای غارت بیشتر مملکت

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود